جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱ صص ۴۵_۷۴
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal, Vol.٦, No. ١١, Spring & Summer ٢٠٢٢

The Effect of Social Structures "Case Study of Cohabitants" on *Tafsir Nemouneh* (Ideal Exegesis) and *Tafhim al-Quran* (Understanding Quran)

Muhammad Nazir Irfani*
Hossein Ajdaryzadeh*
Fazel Hisami*

Abstract

By looking carefully at the interpretations of the Quran, it can be understood that each of these interpretations have been written based on a specific method and tendency, which has led to different and sometimes contradictory exegetical comprehensions among the commentators on single verse of the Quran. The present research has investigated the influence of social structures by means of a descriptive analytical method and a library data-based with a case study of cohabitants in two contemporary and prominent social interpretations of the Islamic world, Tasfsir Nemouneh (Ideal Exegesis) and Tafhim al-Quran (Understanding Quran). The results indicate that the differences of views in the interpretations are influenced by social structures and the contexts and cohabitants of the society are effective in the interpretive perceptions of the Quran commentator, although social structures are not considered the main and sufficient cause in interpretive understandings, but they have role in the evolution and the development of understanding and interpretive comprehensions, as in the example interpretations of Tasfsir Nemouneh (Ideal Exegesis) and Tafhim al-Quran (Understanding Quran), the authors' interpretive comprehensions and attention to the requirements of time and place, reformism and scientism are among the factors that influence these interpretations.

Keywords: Social Structures, Tasfsir Nemouneh (Ideal Exegesis) and Tafhim al-Quran (Understanding Quran), Requirements of Time and Place, Reformism, Scientism.

*. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, (Corresponding Author): mna٨١٨١@yahoo.com

*. Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Sociology, Naraq Islamic Azad University: hajdaryzadeh@rihu.ac.ir

*. Associate Professor at the Institute of Islamic Culture and Thought: fhesami@gmail.com

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱ صص ۴۵_۷۴
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal, Vol.٦, No. ١١, Spring & Summer ٢٠٢٢

تأثیر ساختارهای اجتماعی «مطالعه موردی همنشینان» بر تفسیر نمونه و تفهیم القرآن

محمد نظیر عرفانی* حسین اژدری زاده* فاضل حسامی*

چکیده

با دقت در تفاسیر قرآن می‌توان دریافت که هر کدام از این تفاسیر بر اساس روش و گرایش خاصی به رشته تحریر در آمده‌اند که منجر به برداشت‌های تفسیری متفاوت و گاه متناقض بین مفسران از یک آیه قرآن گردیده است. تحقیق حاضر به روش تحلیلی توصیفی و با جمع‌آوری کتابخانه‌ای به بررسی تأثیر ساختارهای اجتماعی با مطالعه موردی هم‌نشینان در دو تفسیر اجتماعی معاصر و مطرح جهان اسلام تفسیر نمونه و تفهیم القرآن پرداخته است. نتایج حاصله حاکی از آن است که اختلاف و تفاوت دیدگاه‌ها در تفاسیر، متأثر از ساختارهای اجتماعی است و زمینه‌ها و هم‌نشینان جامعه در برداشت‌های تفسیری مفسر قرآن مؤثر واقع می‌شوند، گرچه ساختارهای اجتماعی علت اصلی و تامه در فهم‌های تفسیری به شمار نمی‌روند ولی در تحول و تکامل فهم و برداشت‌های تفسیری نقش دارند، همچنان که در تفاسیر نمونه و تفهیم القرآن، برداشت‌های تفسیری مؤلفان و توجه به مقتضیات زمان و مکان، اصلاح‌گرایی و علم‌گرایی از جمله موارد تأثیرگذار هم‌نشینان و هم دوره‌ای‌ها بر این تفاسیر می‌باشد.

واژگان کلیدی: ساختارهای اجتماعی، تفسیر نمونه، تفسیر تفهیم القرآن، مقتضیات زمان و مکان، اصلاح‌گرایی، علم‌گرایی.

*. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول): mna۸۱۸۱@yahoo.com
*. استادیار گروه معارف اسلامی و جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی نراق: hajdaryzadeh@rihu.ac.ir
*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: fhesami@gmail.com

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱ صص ۴۵_۷۴
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal, Vol.٦, No. ١١, Spring & Summer ٢٠٢٢

مقدمه

مفسر قرآن با تکیه بر معرفت و شناخت‌هایش همانند، نگرش‌ها، روحیات و اعتقادات و... به تفسیر قرآن همت می‌گمارد، معرفت‌ها و شناخت‌هایی را که مفسر دارا می‌باشد با عناوین گوناگون از آن یاد گردیده ا ست همانند «مبانی»، «پیش‌آگاهی» و «پیش‌فرض» (مؤدب، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

ولی با توجه به اینکه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی توأمان بر معرفت مفسر اثرگذار هستند تعابیر فوق نمی‌تواند در بردارنده هر دو جنبه باشد لذا به نظر می‌رسد اصطلاح «پیش‌زمینه» (Background) تعبیر مناسب‌تری در این خصوص باشد.

این پیش‌زمینه است که مفسر با تکیه بر آن شروع به تفسیر می‌کند لذا برای شناخت عوامل تأثیرگذار بر تفسیر یک مفسر بررسی پیش‌زمینه‌های شکل‌دهنده به تفسیرش گام اصلی و ابتدایی می‌باشد. (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۰)

باید توجه نمود که ساختارهای اجتماعی علت اصلی و تامه در فهم‌های تفسیری به شمار نمی‌روند ولی در تحول و تکامل فهم و برداشت‌های تفسیری نقش دارند (همان، ص ۲۱) و بر فهم مفسر تأثیرگذار هستند، ساختارهای اجتماعی همانند خانواده، تربیت، هم‌نشینان، قشر، شغل، موقعیت اجتماعی و تاریخ نیز در فهم مفسر از متن و معرفت تفسیری وی نقش دارند که در این تحقیق به بررسی تأثیر همنشینان بر تفسیر نمونه و تفهیم القرآن خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. همنشینان

روانشناسان اجتماعی، همسایگی را یکی از علل همنشینی و ایجاد پیوند میان افراد می دانند. آنان برآنند که بسیاری افراد یا در اثر تماس‌های تصادفی‌ای که با هم دارند با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و یا به سبب تماس‌هایی که ناگزیرند با هم داشته باشند. برای مثال،

همسایگان در راه پله‌های آپارتمان خود یا در کوچه‌های میان خانه هاشان، مرتّباً، یکدیگر را می‌بینند. این تنوّع تماسها در محیط مدرسه، خوابگاه و محل کار و... میان هم‌کلاس‌ها، هم اتاق‌ها و همکاران و حتّی، میان آنان که هر روز در یک ایستگاه منتظر آمدن اتوبوس می‌مانند قابل مشاهده است. آنان، همچنین، یادآور می‌شوند که ما اغلب با مقداری نگرانی در برابر افراد یا چیزهای جدید واکنش نشان می‌دهیم. امّا با تکرار تماس‌ها و ملاقات‌های اتّفاقی این نگرانی و اضطراب کاهش می‌یابد. البتّه، پرواضح است که تداوم همنشینی‌ها در شرائط خاصّی تداوم می‌یابد، از جمله، انگیزه داشتن طرفین برای داشتن ارتباط، وجود جاذبه و مانند آن. (سلیمی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۵).

دوستی و همنشینی از عناصر أثر گذار بر معرفت می‌باشد که بسیار مورد توجه قرآن است. با استفاده از آیات بسیاری مانند آیه ۵۱ سوره مائده و آیه ۲۳ سوره توبه می‌توان به این باور رسید که دوستی با دیگران می‌تواند شخص را در عقاید و باورهایش و در پی آن، در اعمال و رفتارش سست کند و به دینی دیگر در آورد؛ چنان که این تأثیر می‌تواند مثبت باشد و وی را در اندیشه‌اش ثابت قدم کند. ضمن تأکید بر تأثیرگذاری عنصر خانواده بر معرفت و اندیشه انسانی، یادآور می‌شود که ای بسا تأثیر دوست و همنشین در این زمینه از خانواده نیز نافذتر باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۲۷۵-۲۷۴) شاهد این مسئله آیات بسیاری است، چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصارا را دوستان خود مگیرید که بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود...» **«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُم»** (مائده/۵۱).

در این آیه، دوستی با یهود و نصارا عاملی تلقی شده است که باعث خواهد شد یک فرد مسلمان و مؤمن به کیش یهودیت و نصرانیت در آید، این معنایی است که دست کم ظاهر آیه بر آن دلالت دارد. اگر این برداشت از آیه درست باشد، معنایش این خواهد بود که دوست گرفتن اهل کتاب می‌تواند این تأثیر عمیق را با خود داشته باشد که شخص مسلمان را کم کم در باورها و بالطبع در رفتارش سست کند و به دین و آیینی دیگر در آورد؛ همچنین، فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنان را به دوستی مگیرید؛ و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد، آنان هم ستمکاران‌اند» (توبه/ ۲۳) این آیه هم به تأثیرگذاری عنصر خانواده (به ویژه پدر و برادر) اشاره دارد و هم به تأثیر دوستی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۲۷۵-۲۷۴) شاید بتوان از آیه ذکر شده این نکته را نیز دریافت کرد که تأثیر دوستان حتی از برادران و پدران بیشتر است.

و به دلیل تأثیر همنشین در جهت‌دهی به اندیشه و عمل، در روایات متعدد به انتخاب همنشین صالح تأکید شده است:

قال رسول‌الله (ص) «**خَيرُ الأَصْحابِ صاحِبٌ إذا ذَكَرْتَ اللهَ تعالي أعانک وَ إذا نسيتَ ذَكَرَک**»؛ (متقی هندی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۲۷) بهترین یار، آن است که چون خدا را یاد کردی، یاریت کند؛ و آنگاه که [او را] فراموش کردی، به یادت آورد»

امام صادق (ع) در روایتی چنین فرموده‌اند: «**مَن عَامَلَ الناسَ فَلَمْ يظْلِمْهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يكذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِمَّن ... وَجَبَتْ أُخُوَّتُهُ**؛ (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۳۹) آنکه در داد و ستد با مردم بر آنان ستم روا نمی‌دارد، در سخنانش به آنان دروغ نمی‌گوید و چون بدیشان وعده دهد، پیمان‌شکنی نمی‌کند، از جمله آنانی است که ... برادری کردن با او لازم است».

و نیز از امام موسی کاظم روایت شده که: «أَطِبِ الْكَلامَ لاهْلِ التَّرْک للذُّنوبِ وَ کن لَهُمْ جَلِيساً وَ اتَّخِذْهُمْ لِغَيبِک إِخْوَاناً؛ (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۶) با آنان که اهل ترک گناه‌اند، سخن نیکو بگو؛ همنشین‌شان باش؛ و آنان را برادرانی برای سرّ و پنهانت بدان»

۲-۱. تفسیر نمونه

تفسیر نمونه اثر گروهی از نویسندگان زیر نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از مرجع تقلید معاصر شیعه و جمعی از همکاران ایشان می‌باشد که شامل آقایان محمدرضا آشتیانی، محمدجعفر امامی، داود الهامی، اسدالله ایمانی، عبدالرسول حسنی، سید حسن شجاعی، سید نورالله طباطبائی، محمود عبداللهی، محسن قرائتی و محمد محمدی اشتهاردی بوده است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳: ج ۵، ص ۶۰) تفسیر نمونه به اذعان برخی بزرگان در عصر ما از رایج‌ترین و مشهورترین تفاسیر فارسی می‌باشد. (استادی، ۱۳۸۳: ص ۲۵۱) این تفسیر که به زبان کاملاً گویا و قابل فهم برای استفاده عموم به نگارش در آمده و دو ویژگی عصری و اجتماعی بودن آن، موجب اقبال گسترده به آن شده است (خرمشاهی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۷۷۴) و استقبال بسیار خوبی از آن در ایران و جامعه شیعیان در سایر نقاط جهان به عمل آمد، به طوری که تا کنون به زبان‌های عربی، انگلیسی، بنگالی و اردو ترجمه شده است. (ایازی، ۱۳۸۷، ص۱۴۶).

اولین جلد تفسیر نمونه در سال ۱۴۰۰ قمری منتشر و در اختیار عموم قرار گرفت و تا سال ۱۴۱۴ قمری در ۲۷ جلد تکمیل آن به طول انجامید.

مهم‌ترین منابع این تفسیر عبارت‌اند از: مجمع‌البیان، المیزان، تبیان، نور الثقلین، صافی، الجامع لاحکام القرآن، روح المعانی، تفسیر کبیر، المنار، تفسیر المراغی و ...(مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۸).

تفسیر نمونه به روش اجتهادی (جامع) نگاشته شده است و شیوه ارائه مطالب در این تفسیر چنین است که در آغاز، پس از بیان نکات کلی در هر سوره، به فضای حاکم بر سوره، سبک و سیاق و موضوعات مهم مطرح شده در سوره اشاره می‌شود، سپس به مضمون آیه پرداخته و با آوردن متن عربی و ترجمه چند آیه و ارائه توضیحات کلی، با روشی تحلیلی، مسائل زندگی و هدایت انسان با استفاده از آیات قرآن تشریح می‌شود. این تفسیر بحث‌های لغوی و ادبی را بسیار مختصر و در برخی موارد در پاورقی می آورد؛ سپس به طرح دیدگاه‌ها پرداخته و به جمع‌بندی یا نقد و برر سی آنها می‌پردازد و در صورت وجود روایات در تفسیر آیه آن را نقل می کند و در آخر با عنوان «نکته ها» به مباحث اجتماعی، اخلاقی، تربیتی، فقهی، علمی و مانند آن می پردازد و نکات اخلاقی، علمی، اجتماعی و ... را مطرح می سازد که خود تفسیر موضوعی به شمار می‌رود. (علوی مهر، ۱۳۹۰: ص ۳۷).

تفسیر نمونه به مباحث علوم تجربی توجه خاص نشان داده؛ دیدگاه‌های مفسران را مطرح و دیدگاه منتخب خود را با دلیل می آورد و تلاش گردیده، کشفیات و نظریات و قوانین ثابت علمی که مؤیدت قرآنی دارند، همانند خلقت انسان، حیوان، جهان طبیعت و... مورد بررسی قرار گیرد. (فعال عراقی، ۱۳۸۱: ص ۳۹) همچنین به روایات، لغت و ادله عقلی توجه دارد. شیوه مؤلف در طرح دیدگاه‌ها تا آنجا که امکان دارد، جمع بین اقوال است. یکی از امتیازات این تفسیر آن ا ست که در آغاز هر سوره به مکی یا مدنی بودن، تعداد آیات، اهداف و بخش‌های مختلف آن اشاره کرده، سپس به فضیلت سوره می‌پردازد.

گرایش تفسیر نمونه، اجتماعی است و با توجه به نیازمندی‌های عصر حاضر تألیف گردیده است. مؤلف و همکاران ایشان دغدغه پاسخگویی به نیازهای فکری و معنوی جامعه مخاطب خود را داشته‌اند لذا در مقدمه تفسیر بیان شده است که:

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱ صص ۴۵_۷۴
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal, Vol.٦, No. ١١, Spring & Summer ٢٠٢٢

هر عصری ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهایی دارد که از دگرگون شدند وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می‌گیرد. همچنین هر عصری مشکلات و پیچیدگی‌ها و گرفتاری‌های مخصوص به خود دارد که آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگ‌ها که لازمه تحول زندگی و گذشت زمان است، می‌باشد. افراد پیروز و موفق آنها هستند که هم آن نیازها و تقاضاها را درک می‌کنند و هم این مشکلات و گرفتاری‌ها را، که مجموع آنها را «مسائل عصری» می‌توان نامید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳).

۳-۱. تفسیر تفهیم القرآن

ابو الاعلی مودودی یکی از متفکران و اصلاح طلبان و مشاهیر جهان اسلام و از عالمان دین مبرز پاکستان است. وی از مجاهدین مؤسس حرکت آزادی بخش حزب جماعت اسلامی، نخستین حزب سیاسی اسلامی، در تاریخ پاکستان است. وی در سال ۱۹۰۳ م در اورنگ پاکستان تولد یافت و درس‌های علوم دینی را در این شهر گذراند و به مراتب علمی رسید (مودودی، ۲۰۰۸، ص ۲۲). مودودی دارای آثار و تألیفات بسیار در موضوعات اسلامی است. از آن جمله: تفهیم القرآن، تفسیر سوره احزاب، مصطلحات القرآن، مبادئ الأساسیة لفهم القرآن، مقدمه‌ای بر مطالعات قرآن، تفسیر سوره نور (تعریب محمد عاصم الحداد) و کتاب حجاب است. وی در ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ م وفات یافت.

تفهیم القرآن از گرانقدرترین تفاسیر و ترجمه‌ها به زبان اردو و اثرگذار در حرکت اصلاحی و قرآن‌پژوهی در منطقه بوده است. ابوالحسن ندوی شخصیت دینی و علمی معاصر درباره مودودی می‌نویسد که من مانند او را در این دوره از فرهنگ اسلامی از نظر تأثیرگذاری در فکر و اندیشه ندیدم. (البیومی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۵۱۰)

ابو الاعلی مودودی نگارش تفسیر تفهیم القرآن را در ماه محرم ۱۹۴۲ م آغاز کرد و تا تفسیر سوره یوسف؛ یعنی تا جزء سیزدهم قرآن کریم ادامه داد. شیوه او بدین گونه بود که قسمت به قسمت می‌نوشت و آماده چاپ می‌کرد و هر مقدار که آماده می‌شد، آن را نشر می‌داد. در ماه اکتبر سال ۱۹۴۸ م به دلیل فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به زندان افتاد؛ اما از راه ننشست و در زندان به این کار ادامه داد. ولیکن پس از آزادی از زندان، به دلیل مراجعات فراوان و مشاغل گوناگون نتوانست تفسیر را ادامه دهد و زمانی طولانی گذشت تا بتواند در میان سال‌های ۱۹۶۰ - ۱۹۷۲ م باز شروع کند و به کار خاتمه دهد.

مهم‌ترین منابع تفهیم القرآن عبارتند از: جامع البیان ابن جریر طبری، معالم التنزیل بغوی، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر، کشاف زمخشری، روح المعانی آلو سی، احکام القرآن قرطبی. (عبدالحی، ۱۹۸۱، ص ۵۴)

این تفسیر به زبان‌های مختلفی همچون عربی، بنگالی، سندی، پشتو، ترکی ترجمه گردیده است و توسط عبدالغنی سلیم‌قنبرزهی به فارسی ترجمه شده است.

تفهیم القرآن نیز به روش اجتهادی (جامع)، برای آگاهی و هدایت مخاطب و مردم نا آشنا به مفاهیم قرآن و با زبانی ساده و رسا نوشته شده و هدف او از ترجمه و توضیحات، تأمین نظر اهل فن و تخصص نبوده تا بحث‌های آکادمیک فنی و مباحث ادبی و یا نکات بلاغت و اعجاز و احکام را مطرح سازد. (خورشید احمد، ۱۹۹۲، ص ۱۴) او می‌خواهد خواننده را با پیام وحی آشنا سازد تا این آشنایی، در زندگی و رفتار آنان اثر بگذارد و منشأ تحولات و حیات اجتماعی آنان گردد.

گرایش این تفسیر، اجتماعی و بر مبنای پذیرفتن این اصل است که تفسیر امروز باید با تفاسیر گذشته تفاوت پیدا کند و مفسر معاصر به پر کردن فاصله میان عصر نزول قرآن و عصر تفسیر تلاش می‌نماید (همان، ص ۲۵) یکی دیگر از نکات برجسته تفسیر، گرایش مفسر به

اندیشه اجتماعی و برجسته کردن پیام‌های آن است، گرایشی که در این قرن در دانش تفسیر مایه تحول و جاذبه به قرآن گردیده است. مودودی در ضمن ترجمه هر آیه، با نگرش به زندگی انسان و نیازهای واقعی و مشکلاتی که بر سر راه جامعه وجود دارد، رابطه و همگونی برقرار می‌کند و تعالیم جامعه‌ساز قرآنی را مناسب با مخاطب خود بیان می‌کند. (خلیل الحامدی، بی‌تا، صص ۳۵ - ۴۲)

۲. همنشینان مؤلفان تفسیر نمونه و تفهیم القرآن

دو مفسر تفسیر نمونه و تفهیم القرآن در عصری زیست کرده‌اند که همنشینان و هم دوره‌ای‌های آنها در جهت بیداری امت اسلامی و بازگشت و توجه به قرآن و برداشت‌های عصری و اجتماعی از آیات وحیانی به شدت فعال و کوشا بوده‌اند تا عدم تعارض قرآن با یافته‌های علمی نوین و نیز اعجاز تشریعی قرآن برای تمامی زمان‌ها را اثبات نمایند.

۲-۱. همنشینان مؤلف تفسیر نمونه

از مهم‌ترین اندیشمندان مذهبی و علمی همنشین و هم دوره مؤلف تفسیر نمونه و تفهیم القرآن که به بحث پیرامون قرآن و تفسیر آن همت گماشتند می‌توان افراد ذیل را نام برد:

سید محمود طالقانی مؤلف تفسیر پرتوی از قرآن (۱۳۵۸ ش)؛ شهید مرتضی مطهری مؤلف تفسیر آشنایی با قرآن (۱۳۵۸ ش)؛ سید علی‌اکبر قرشی مؤلف تفسیر احسن الحدیث (متولد ۱۳۰۷ ش)؛ محمدحسین طباطبایی مؤلف المیزان فی تفسیر القرآن (۱۳۶۰ ش)؛ محمدتقی شریعتی مؤلف تفسیر نوین (۱۳۶۶ ش)؛ مهندس مهدی بازرگان مؤلف تفسیر پا به پای وحی (۱۳۷۳ ش)؛ رشید رضا مؤلف المنار (۱۳۵۴ ق)؛ مصطفی مراغی مؤلف تفسیر مراغی (۱۳۷۱ ق)؛ سید قطب تفسیر مؤلف تفسیر فی ضلال القرآن (۱۳۸۷ ق).

از مهم‌ترین افرادی که مفسر نمونه از ایشان در اندیشه‌های تفسیری تأثیر گرفته‌اند امام خمینی (ره) می‌باشد که قبل از انقلاب و بعد از انقلاب با افکار و اندیشه‌های امام همراه بوده‌اند. (http://wwwmakarem.ir) همچنین علامه طباطبایی نیز تأثیر فراوانی در اندیشه‌های تفسیری آیت‌الله مکارم داشته است زیرا که ۱۲ جلد تفسیر المیزان توسط عده‌ای از علما از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی به فارسی ترجمه گردیده است و ایشان در خصوص تفسیر المیزان می‌گوید: «اثری است بر اساس روش عالی تفسیر قرآن به قرآن و حقاً متضمّن یک سلسله حقایق است که تا کنون بر ما مخفی بوده است.»(ویکی شیعه، مدخل المیزان فی تفسیر القرآن، https://fa.wikishia.net)

۲-۲. همنشینان مؤلف تفسیر نمونه

از مهم‌ترین اندیشمندان مذهبی و علمی همنشین و هم دوره مؤلف تفسیر تفهیم القرآن که به بحث پیرامون قرآن و تفسیر آن همت گماشتند می‌توان افراد ذیل را نام برد:

مفسر تفسیر تفهیم القرآن از سید قطب بیشترین تأثیر را در تفسیر قرآن گرفته است به‌گونه‌ای که در مورد ارتباط قلبی و فکری مودودی با سید قطب، شیخ خلیل الحامدی مدیر برنامه‌های مودودی می‌گوید: در یکی از سال‌های دهه‌ی شصت در مکه‌ی مکرمه مودودی بعد از مطالعه کتاب «معالم الطریق» اثر سید قطب به من گفت: «گویی من این کتاب را نوشته‌ام». (البیومی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۵۱۴).

از دیگر افرادی که صاحب تفسیر تفهیم القرآن از اندیشه‌های وی متأثر بوده است علامه اقبال لاهوری می‌باشد، اقبال دین اسلام را جدا از تمدن اسلامی نمی‌داند و معتقد است تجدید دین بدون احیای تمدن، ممکن نیست. به باور او باقی ماندن اسلام به‌عنوان یک فرهنگ، تمدن و قانون زندگی، منوط به تغییراتی بر اساس زمانه و پیشرفت علوم جدید است. اقبال تجدید علم

کلام بر اساس بررسی‌های علوم تازه و حل و فصل مسائل فقهی بر اساس اقتضای زمانه و نیازهای موجود را ضروری می‌دانست. (اقبال لاهوری، ۱۳۶۲، ص ۷۸) به اعتقاد او بزرگ‌ترین مشکل مسلمانان، مشکل هویت و دور شدن از آموزه‌های اسلامی است. او معتقد بود مسلمانان در صورتی می‌توانند به وجود خود افتخار کنند که تشکیلات حکومتی جداگانه‌ای بر اساس اصول اسلام در مناطق مسلمان‌نشین ایجاد نمایند و در نهایت اقبال، قرآن را معتبرترین سند اسلام و زندگی می‌دانست. (اقبال لاهوری، ۱۳۹۱، ص ۲۸۹).

مودودی در مورد اقبال و اندیشه‌هایش می‌گوید: «من و اقبال اتفاق‌نظرهای زیادی در آراء و دیدگاه‌های خویش داشتیم، زیرا آنچه را که من در سر می‌پروراندم، دقیقاً همان چیزی بود که اقبال نیز در نظر داشت؛ و آن تمرکز بر دو موضوع اساسی بود: ۱) بیان سمت و سوها و رویکردهای نظام اسلامی با اسلوبی علمی ۲) آماده‌سازی مردانی که شایستگی رهبری مسلمانان را چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ علمی داشته باشند». (مودوودی، ۱۳۶۹، ص ۱۶)

محمد اقبال به مودودی پیشنهاد کرد که از حیدرآباد به پنجاب (پاکستان) هجرت کند. مودودی در مارس ۱۹۳۸ م این پیشنهاد را پذیرفت اما مدت زمان زیادی از اقامت وی در آنجا نگذشته بود که خبر فوت محمد اقبال به گوش وی رسید. مودودی در مورد فوت علامه اقبال می‌گفت: «با مرگ این مرد بزرگ، بزرگ‌ترین تکیه‌گاه زندگی خود را از دست دادم». (همان، ص ۱۷).

۳. مهم‌ترین تأثیرات اندیشه‌های همنشینان بر تفاسیر نمونه و تفهیم القرآن

۱-۳. توجه به مقتضیات زمان

از جمله اموری که در دوره‌ی مفسران تفسیر نمونه و تفهیم القرآن توسط دیگر اندیشمندان مسلمان از جمله همنشینان این مفسران در حوزه تفسیر قرآن مورد توجه قرار گرفت توجه به مقتضیات زمان در تفسیر می‌باشد، بدون تردید هر زمان دارای مقتضیات خاص خود می‌باشد و مفسر چون متعلق به زمان حضور خود است، ناچار به فهم زمان و شناخت نیازمندی‌های آن می‌باشد تا بتواند مطابق آن، مردم زمان خود را به فهم صحیح آیات قرآن دعوت کند. (علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۵۹)

از دیدگاه شهید مطهری مقتضیات زمان یعنی مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی بشر، به حکم این که به نیروی عقل و ابتکار و اختیار مجهّز است و تمایل به زندگی بهتر دارد پیوسته افکار و اندیشه‌ها و عوامل و وسائل بهتری برای رفع احتیاجات اقتصادی و اجتماعی و معنوی خود وارد زندگی می‌کند. ورود عوامل و وسائل کامل‌تر و بهتر خود به خود سبب می‌شود که عوامل کهنه و ناقص‌تر جای خود را به اینها بدهند و انسان به عوامل جدید و نیازمندی‌های خاص آنها وابستگی پیدا کند. وابستگی بشر به یک سلسله احتیاجات مادی و معنوی و تغییر دائمی عوامل و وسائل رفع کننده این احتیاجات و کامل‌تر و بهتر شدن دائمی آنها که به نوبه خود یک سلسله احتیاجات جدید نیز به وجود می‌آورد، سبب می‌شود مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی در هر عصری و زمانی تغییر کند و انسان، الزاماً خود را با مقتضیات جدید تطبیق دهد. (مطهری، ۱۳۸۰، صص ۴۲ ـ ۴۱)

بنابراین هر تفسیری همواره به زمان خود تعلق دارد و بر مبنای دیدگاهی که مفسر به اقتضای شرایط تاریخی خود پیدا کرده، به سراغ متن می‌رود. چنانکه در دورهای تحولات علمی و فرهنگی بسیار سریع و گسترده باشد، موضوعات منعکس شده، در تفسیر هم گسترده

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱ صص ۴۵_۷۴
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal, Vol.٦, No. ١١, Spring & Summer ٢٠٢٢

خواهد بود و اگر آهنگ این تحولات کند و طولانی باشد، موضوعات محدودتری در تفسیر آن دوره انعکاس می‌یابد. (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۵)

شهید باقر صدر آگاهی از زمان و ملاحظه مقتضیات آن را، شرط زنده بودن مکتب و رمز بقای آن می‌داند و معتقد است که اگر قرآن معجزه جاوید است، به این دلیل می‌باشد که به مسائل زمان خود و آینده بشریت پاسخ می‌دهد. (ثقفی، ۱۳۷۹، ص ۴۴) به همین دلیل است که مفسر گاهی برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی و تربیتی به تفسیر اجتماعی روی می‌آورد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۹)

از جمله نمونه‌هایی که می‌توان برای توجه به مقتضیات زمان در تفاسیر نمونه و تفهیم القرآن یاد کرد بحث‌های تفسیری همانند پاسخگویی به تهاجمات فکری استعمارگران غرب، عوامل انحطاط و عقب ماندگی تمدن اسلامی و مبارزه با ظلم و ستم و تفسیر جهادی می‌باشد، شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و قیام‌های دیگر در کشورهای اسلامی و تهاجم استعمار و صهیونیسم علیه مسلمانان در منطقه خاورمیانه باعث توجه خاص این مفسران به بُعد جهادی آیات قرآن گردیده است.

۲-۳. توجه به عنصر مکان

از دیگر اموری که مورد توجه همنشینان و هم دوره‌ای‌های تفسیر نمونه و تفهیم القرآن بوده است توجه به عنصر مکان می‌باشد، تفسیر قرآن از آن جنبه که فهم انسان از قرآن است یک جریان انسانی فرهنگی است به همین دلیل تفسیر و فهم انسان‌ها مرتبط با زمان و مکان زندگیشان است. هر مفسری در یک دوره و سرزمینی زندگی می‌کند. این که یک مفسر در کدام دوره و یا در کدام سرزمین زندگی می‌کند، کاملاً در نوع تفسیری که به وجود می‌آورد، تأثیرگذار است با توجه به اینکه خود مفسر تصمیم نمی‌گیرد که در کدام دوره زندگی و یا در

کدام سرزمین زندگی کند، ولی به هر حال هر تفسیری برخاسته از یک دوره و سرزمین خاص است و هر سرزمینی ویژگی‌ها مخصوص خودش را دارد. لذا تفاوت در عصر و جغرافیای حضور مفسر موجب تفاوت در پیش فهم‌های مفسر می‌گردد.

مشخص است که اگر فردی در محیط باز سیاسی و فضای تبادل افکار و تعاطی اندیشه‌ها زندگی کند، ظرفیت و توان فکری و آگاهی‌های علمی او بسیار متفاوت خواهد بود با آن کسی که در محیط بسته و اختناق سیاسی و مذهبی زندگی کند. ازاین‌رو می‌توان قائل شد که محیط جغرافیای و نزدیکی به مراکز علم و تمدن و شرایط علمی و وجود مراکز آموزشی و فرهنگی و انعکاس و گزارش علمی تأثیر گسترده‌ای در بینش و دریافت مفسر دارد، همچنین حضور شخصیت‌های علمی و انتشار کتاب‌ها و مجلات و یا حضور مذاهب و نحله‌های فکری، تأثیر بسزایی در اندیشه و شیوه برداشت مفسر دارد. گاه در محیطی روش عملکرد و فضای اجتماعی، زمینه طرح سؤالی را فراهم می‌سازد، یا درباره‌ی موضوعی تردیدهایی فراهم می‌کند. اینجاست که مفسر به‌طور طبیعی به سوی اندیشه‌ای و تفسیری خاص می‌افتد.

بحث تأثیر مکان در برداشت مفسر گرچه جنبه معرفت شناسانه دارد و تأثیر غیر مستقیم اطلاعات و معلومات محیط را در تفسیر نصوص مورد توجه قرار می‌دهد، اما در نگاهی دیگر اهمیت جنبه‌های بیرونی ذهن مفسر را بازگو می‌کند، ازاین‌رو توجه به عنصر مکان و نقش جغرافیا در تفسیر از جمله تأثیراتی است که تفاسیر نمونه و تفهیم القرآن از همنشینان و هم دوره‌ای‌های خویش پذیرفته‌اند، متفاوت بودن شرایط جغرافیایی می‌تواند موجب فهم‌های زمینه‌ای متفاوتی باشد که از آیات صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد اینکه تفاوت محیط جغرافیایی و اقلیمی افراد هیچ تأثیری در فهم افراد از مسائل ندارد قابل‌پذیرش نباشد چون حداقل این است که تفاوت‌های اقلیمی در این میان تأثیر بسیار زیادی دارند. با توجه به اینکه

در جهان اســـلام با اقلیم‌های متنوعی مواجه هســـتیم این جغرافیاهای متفاوت، می‌توانند موجب درک‌های متفاوت از موضوعات و مسائل باشند.

شـــهید مطهری در تأثیر محیط و مکان زندگی افراد در فهم و تحلیل مســـائل اینگونه مثال می‌زند: فرض کنید یک نفر در شهر تهران بزرگ شده باشد، یا شهر دیگری مثل تهران که در آنجا آب جاری فراوان است، حوض‌ها و آب انبارها و نهرها هست و همین شخص فقیه باشد و بخواهد در احکام طهارت و نجاســت فتوا بدهد. این شـــخص با ســـوابق زندگی شـــخصـــی خود وقتی که به اخبار و روایات طهارت و نجاســـت مراجعه کند یک طوری اســـتنباط می‌کند که خیلی مقرون به احتیاط و لزوم اجتناب از بسیاری چیزها باشد. ولی همین شخص که یک سفر به زیارت خانه خدا می‌رود و وضع طهارت و نجاســت و بی آبی را در آنجا می‌بیند، نظرش در باب طهارت و نجاست فرق می‌کند، یعنی بعد از این مسافرت اگر به اخبار و روایات طهارت و نجاست مراجعه کند آن اخبار و روایات برای او یک مفهوم دیگر دارد. اگر کسی فتواهای فقها را با یکدیگر مقایسه کند و ضمناً به احوال شخصیه و طرز تفکر آنها در مسائل زندگی توجه کند، می‌بیند که چگونه ســـوابق ذهنی یک فقیه و اطلاعات خارجی او از دنیای خارج در فتواهایش تأثیر داشـــته، به طوری که فتوای عرب بوی عرب می‌دهد و فتوای عجم بوی عجم؛ فتوای دهاتی بوی دهاتی می‌دهد و فتوای شهری بوی شهری. (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲-۱۲۱).

ابن ســـینا پســـتی و بلندی‌های زمین را در چگونگی ســـامان یابی تن و روان آدمی مؤثر می‌دانست. وی کوهستانی بودن منطقه سکونت انسان را سبب چالاکی و دلیری دانسته و متقابلاً بر این باور بود که پستی و خفگی منطقه سکونت، افسردگی و بیماری را در پی دارد. هم چنین او آورده اســـت که روحیه و حالات و رفتار مردم مناطق خشـــک کاملاً برعکس حالات و رفتارمردم مناطق مرطوب است. (ابن سینا، ۱۳۹۵، ص ۲۱۳).

این موارد نشان می‌دهد مکان و جغرافیای حضور مفسر می‌تواند نقش زیادی در زمینه‌های فرهنگی داشته باشد و تأثیر مستقیم خود را در فضای تفسیری بگذارد و باید به آن توجه شود. در بررسی روش تفسیری یک مفسر، شناسایی محیط زندگی و دانستن اینکه او تا چه حد از اوضاع حاکم بر او تأثیر پذیرفته و از محیط فرهنگی‌اش چه مقدار متأثر شده و چگونه آن را در فعالیت‌های مختلف ذهنی، ادراکی و عاطفی بکار برده است و بر آن چه افزوده است، ضروری است. البته این سخن بدان معنا نیست که گفته شود فهم یک فرد از آیات قرآن منحصر و تابع واقعیات تاریخی و جغرافیایی است بلکه منظور این است که شناخت این عوامل، فهم پاره‌ای از مسائل دخیل در روش تفسیری او را روشن‌تر می‌کند.

نکته مهم دیگری که در رابطه با شناخت موقعیت جغرافیایی و توجه به عنصر مکان باید مد نظر قرار گیرد، آن است که همان طور که هر بیماری با توجه به نوع مریضی‌اش نیاز به یک نوع دارو دارد و تجویز داروی بیمار دیگر برای شخص دیگر مناسب نیست، در تفسیر نیز همین‌گونه است. نوشتن تفسیر در ایران امروز با نوشتن تفسیر در مصر متفاوت است. درست است که توجه به همه مناطق جغرافیایی در جهان اسلام باید مد نظر مفسر قرار گیرد، اما غافل از این نکته نباید باشد که نیازهای مناطق مختلف، شدت و ضعف‌هایی را به همراه دارد.

شرایط لبنان برای مفسران لبنانی، شرایط مبارزه و ایستادگی در برابر رژیم غاصب صهیونیستی است و شرایط سوریه امروز شرایط ایستادگی در برابر جریان‌های تکفیری است. شرایط ایران امروز، ورود شبهات شدید دشمنان و گرایش‌های مختلف اجتماعی و وجود نظام ولایت‌فقیه در آن است و شرایط شبه قاره و پاکستان گسترش سبک زندگی غربی و ترویج بی دینی است. این شرایط باعث می‌شود تا در کنار دیدن مسائل فرا منطقه‌ای، توجه به شرایط خاص یک منطقه نیز مورد عنایت یک مفسر قرار بگیرد، مفسری که در محیطی شیعی رشد کرده و در همان فضای فکری خاص تربیت یافته است یا مفسری که در محیط اهلسنت رشد

یافته آیات قرآن را آنچنان تفسیر می‌کنند که با دیدگاه‌های فکری و اعتقادیشان سازگار باشد و این مطلب بیانگر حضور نوعی از سوابق ذهنی مفسر و تأثیر محیط و جغرافیا بر مفسر است.

همچنان که در تفسیر نمونه توجه به مباحثی همانند انقلاب، ضرورت حکومت اسلامی، جهاد، مسئله فلسطین، وحدت اسلامی در نتیجه تأثیرپذیری از عنصر مکان پررنگ‌تر بحث گردیده است و در تفسیر تفهیم القرآن نیز اموری همانند برخورد با دشمنان، حکومت اسلامی و خلافت، جاهلیت مدرن، مقابله با تهاجم فرهنگی غرب از جمله مباحث متأثر از نقش جغرافیا و مکان در فهم مفسر تفهیم القرآن از آیات قرآن است.

۳-۳. اصلاح‌گرایی

از اندیشه‌هایی که توسط معاصرین و همنشینان مفسرین نمونه و تفهیم القرآن، تفسیر را دچار تحول نمود، اندیشه اصلاح گری است. البته ریشه شکل‌گیری این اندیشه در اواخر قرن سیزده هجری در حوزه تفسیر می‌باشد. (شریعتی، ۱۳۸۴، ص ۷۲) افرادی با این مبنا که می‌توانند اصلاحات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به نحوی در قرآن پیاده‌سازی و از آن به مثابه منشور این اصلاحات استفاده کنند، اندیشه جدیدی را در حوزه تفسیر قرآن شکل دادند. خصوصیت اصلی این اندیشه در این بود که اسلام را نه یک عقیده مهجور و ایمان درونی، بلکه یک نظام تمام عیار دینی، دنیوی، اخلاقی، سیاسی، عبادی و اجتماعی محسوب می‌نمود (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ص ۱۷) و در این زمینه، قرآن را مؤثرترین و بانفوذترین بستر پیگیری مطالبات و اهداف خود به شمار می‌آورد.

در حقیقت نهضت اصلاحی و بازگشت به قرآن، موجب طرح مقولات گوناگونی شد و مقوله‌هایی چون آزادی، عدالت اجتماعی، فلسفه‌ی تاریخ، مبارزه با استبداد و ستمگری، مبارزه با فقر و فساد اجتماعی مباحثی بودند که در دوره معاصر به تفسیر راه یافتند، مشخصه اساسی

اصـــلاحی گری، بازگشـــت به قرآن و احیای ارزش ها و تعالیم قرآن اســـت. این مفســـران می کوشـیدند که قرآن را به متن اجتماع و به میان مردم و روشـنفکران برده و با ذهن و زندگی جدید پیوند دهند. لذا از این نگاه به تفســیر آیات قرآن نگریســته و در صـــدد ایجاد پیوند و هم‌زیستی بین آیات قرآن و اندیشه‌های جدید سیاسی و اجتماعی بودند. (همان، ص ۱۶).

از دیدگاه سید جمال‌الدین اسد آبادی هر مسلمانی بیمار است و درمانش قرآن می‌باشد، کســانی که دوســتدار دانش هســتند باید در معانی احکام قرآن تدبر و دقت نمایند. (شــرابی، ۱۳۶۹، ص ۳۴) همچنین وی درباره رابطه قرآن با عقل تأکید دارد که قرآن با عقل منطبق است و اگر در مواردی با عدم انطباق قرآن با عقل مواجهیم، به دلیل آن اســت که فهم ما از قرآن اشـتباه اسـت؛ بنابراین باید به دنبال فهم جدیدی از قرآن باشـیم که با عقل انطباق داشـته باشـد. (جمال الدین اسد آبادی، ۱۳۵۸، ص ۱۳۹-۱۴۱)

اندیشه اسد آبادی، توسط شاگردانش در کشورهای عربی توسعه یافت و نزد شیخ محمد عبده، به صورت یک نظریه تفسیری شکل گرفت. (احمد پاکتچی، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ص ۷۳۳) بر اسـاس همین اندیشـه پرداختن به مباحث سـیاسـی، اجتماعی و علمی در تفسـیر این دوره، امری نوظهور است. برای نمونه آیه «**وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ**» (شوری/ ۳۸) بر شوری و مشورت سیاسی انطباق داده شد. (رنجبریان، ۱۳۸۲، ص ۶۲-۶۵) بنابراین می‌توان به وضوح، شکاف عمیقی را بین تفسیرهایی که قبل و بعد از این اندیشه نوشته شده‌اند، مشاهده کرد. در تفاسیر قبل، خیلی ســریع از این آیه عبور و تنها به یک بحث اخلاقی که با هم مشــورت کنید، بســنده می‌شــد (طبرسـی،۱۴۱۵، ج ۹، ص ۵۱-۵۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۶۰۴؛ بیضـاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۸۳) ولی در تفسیرهای بعد از این اندیشه، این آیه منشور مشارکت مردم در امور مشورتی و یکی از ارکان اصــلی مشــروطه یعنی مجلس شــوری گردید. (قطب، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۱۶۵؛ قرشی، ۱۳۶۶، ج ۹، ص ۴۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، صص ۴۶۲-۴۶۳).

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱ صص ۴۵_۷۴
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal, Vol.٦, No. ١١, Spring & Summer ٢٠٢٢

فهم برخی از آیات قبل و بعد از این اندیشـــه با هم متفاوت گردید. برای مثال درباره آیه «... **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** ...» (در حقیقت خدا آن سـرنوشـتی که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند، رعد/ ۱۱) دریافت قبل از اندیشه اصلاح گری، به این صورت است که خداوند شرایط خوب و نعمت را از قومی سلب و بر آنها عذاب نازل نمی‌کند، مگر آن که خودشـان شـرایطی را به وجود بیاورند که عذاب نازل شـود؛ (طوسـی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۲۸؛ زمخشـری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۱۷) اما بعد از اندیشـه اصـلاح گری، قریب به اتفاق مفسـران معاصـر و سـایر محققان مسـلمانی که درباره‌ی مسـائل اجتماعی از نظر قرآن تحقیق کرده‌اند، معنای آیه را چنین توضـیح می‌دهند که خداوند زندگی و سرنو شت قومی را از بد به نیک تغییر نمی‌دهد، مگر آن قوم به خود آیند و خود را دگرگون سـازند و کمر همت به تغییر محیط و مشـکلات خویش بندند. اینان می‌گویند، هیچ قوم عقب مانده و عقب نگه داشـته شـده‌ای مادام که در خود تحول نفسـانی یا به تعبیر جدیدتر آگاهی اجتماعی نیابد و نخواهد و نکو شد که سرنو شت بدش به سرنو شت خوب مبدل شود، خداوند هم امدادی نخواهد کرد. (مکارم شـیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۱۴۵؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۰۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۳۸۶).

محمد عبده در تفسیر آیه «**لاَ إِكْرَاه فِي الدينِ قَد تَّبينَ الرُّشْد مِنَ الْغَي**» (هیچ اکراهی در پذیرش دین نیست، چرا که بیقین راه هدایت از گمراهی، رو شن شده ا ست، بقره/۲۵۶) می‌نویسد: «**لاَ إِكْرَاه فِي الدينِ**» قاعده‌ی بزرگ از قواعد ا سلام و رکن عظیمی از ارکان سیا ست این دین ا ست. ا سلام هرگز اجازه نمی‌دهد که کسی را وادار کند تا ا سلام بیاورد و یا از ا سلام خارج شود. ما مسلمانان در صورتی می‌توانیم این رکن را برپا داریم و این قاعده را حفظ کنیم که توان و نیرو دا شته با شیم تا به و سیله آن از دین و جان خویش در برابر تجاوزگران حمایت کنیم نه اینکه بر

کسی یورش بریم زیرا که نخستین راه دعوت در اسلام، حکمت و قول احسن است. (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۹)

۴-۳. علم‌گرایی

از جمله تأثیرات همنشینان و مفسران هم عصر بر تفاسیر نمونه و تفهیم القرآن توجه به علم‌گرایی در تفسیر می‌باشد، از قرن ۱۸ میلادی به بعد، علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد و کتاب‌های مختلفی در زمینه‌ی علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان شناسی به عربی ترجمه گردید. این دوره‌ی جدید – به ویژه در یک قرن اخیر، که در جهان اسلام، اثرات خود را در مصر و هندوستان برجای گذاشت – موجب شد تا دانشمندان مسلمان، در صدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآیند. این مسئله، هنگامی اهمیت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا اوج گرفت و کتاب مقدس، به خاطر تعارضات آن با علوم جدید، هر روز عقب نشینی تازه‌ای می‌کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می‌شد. هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمانان به فرهنگ غربی می‌گشت. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۰)

با افزایش ارتباط دنیای غرب با جهان اسلام مسلمانان احساس کردند، خیلی از غرب عقب مانده‌اند؛ لذا برای جبران این عقب افتادگی و سرخوردگی، واکنش دفاعی اتخاذ کردند و سعی کردند با آشتی دادن میان داده‌های علمی و آیات قرآن زمینه ادامه باور به قرآن را فراهم کنند. (پاکتچی، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ص ۷۳۳). از طرف دیگر علمای مسلمانِ تحصیل کرده در غرب به هنگام مواجهه با آیات قرآنی احساس می‌کردند، آن چیزهایی که در غرب خوانده‌اند، در قرآن هم هست؛ از این رو، این تفکر در جهان اسلام مطرح شد که همه آنچه در غرب از

پیشرفت‌های صنعتی، پزشکی، نجومی و ... وجود دارد، چندین قرن قبل در آیات قرآن به نوعی مطرح شده است لذا به تفسیر علمی قرآن روی آوردند.

مقصـــود ما از علم در اینجا علوم تجربی اســـت، یعنی علوم که با شـــیوه امتحان و تجربه (آزمایش و خطا) درستی و نادرستی نظریات و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند. پس منظور از تفسیر علمی همان توضیح دادن آیات قرآن، به وسیله علوم تجربی است. (همان، ص ۲۷۴)

مفسران متقدم به اتفاق، برآنند که آیه «**وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ**» (و کوه ها را می بینی، در حالی که آنها را ثابت می پنداری و حال آنکه آنها همچون حرکت ابرها درگذرند؛ [این] ساخته خدایی است که هر چیزی را محکم ساخت؛ در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است، نمل/ ۸۸) به حوادث و پدیده‌هایی ناظر است که در آستانه قیامت رخ می‌نماید؛ (نیشابوری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۳۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۵۷۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۶۱؛ حقی بروسوی، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۳۷۵؛ شوکانی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۱۷۸) زیرا در سیاق آیات قیامت قرار گرفته و آیات قبل و بعد در رابطه با قیامت است؛ و این آیه را مشابه آیاتی مانند «**وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا**» (و از تو درباره کوه‌ها سؤال می کنند؛ بگو: پروردگارم آنها را متلاشی کرده بر باد می‌دهد! سپس زمین را صاف و هموار و بی آب و گیاه رها می‌سازد، طه/ ۱۰۵-۱۰۶)، «**الْقَارِعَةُ... مَا الْقَارِعَةُ... يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ... وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ**» (آن حادثه کوبنده و چه حادثه کوبنده ای! و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیســـت؟! آن حادثه همان روز قیامت اســـت! روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود و کوه ها مانند پشم رنگین حلّاجی شده می گردد، قارعه/ ۱-۵) و «**يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ**» (همان روز که آسمان همچون فلز گداخته می شود و کوه‌ها مانند پشم رنگین متلاشی

خواهد بود، معارج/ ۸-۹) دانسته‌اند. (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۵ ج ۱۵، ص ۸۳؛ قرطبی، ۱۴۱۶ ج ۱۴، ص ۲۴۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۱۹۶؛ کاشانی،۱۳۴۶، ج ۷، ص ۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۲۴۴)

گروهی از مفسران معتقدند که قرآن حرکت زمین را در این آیه بازگو فرموده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۱، ج ۱۹، ص ۳۱۹؛ خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۲۹۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۵۰۹؛ طیب، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۱۹۵-۱۹۴). برخی هم درگیر این اندیشه شده و این نظر تفسیری را نقل و رد کرده‌اند. (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۲۰، ص ۴۲؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۲۵۰). باید متذکر شد که توجه قرآن، به علم، ذکر مثال‌های علمی و ترغیب به تفکّر در آیات الهی در آسمان‌ها و زمین و خود انسان، عمده‌ترین عامل گرایش به تفسیر علمی در بین مسلمانان و موجب رشد علوم، معارف و مقایسه آنها با آیات قرآن شد.

حد افراطی‌گری در حرکت تفسیر علمی قرن سیزده و چهارده، به ویژه میان اهل سنت، به شدت ادامه داشته است. به‌گونه‌ای که برخی از گروه‌های انحرافی هابیل و قابیل را اشاره به دو دوره‌ی جامعه (جامعه‌ی بی طبقه و دوره‌ی فئودالیسم) می‌گرفتند و یا روح را خاصیت و اثر ماده، معرفی می‌کردند و نبوت را نوعی نبوغ می‌خواندند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷) که برای اصلاح جامعه، قانون‌گذاری می‌کند. تفاسیر شیعه حالت میانه را در علم‌گرایی رعایت نموده است. تفاسیر معروف در این زمینه را می‌توان المیزان، الفرقان، تفسیر نوین، پرتوی از قرآن و تفسیر نمونه نام برد که به دستاوردهای علمی اشاراتی نموده‌اند. از تفاسیر اهلسنت دو تفسیر کشف الاسرار النورانیه القرآنیه (محمد احمد اسکندرانی) و جواهر القرآن (طنطاوی جوهری) در حد افراط به نشان دادن هماهنگی قرآن با یافته‌های علوم بشری پرداخته‌اند (علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۳۰۹) و تفسیر تفهیم القرآن در بیان مباحث علمی حد میانه را رعایت کرده است.

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱ صص ۴۵_۷۴
Bi-Quarterly specialized-scholarly journal, Vol.٦, No. ١١, Spring & Summer ٢٠٢٢

نتیجه

قرآن در مورد تأثیر همنشـــین در اندیشـــه و تربیت انســـان می‌فرماید: «**وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيكُمْ فِي الْكِتابِ أَنْ إِذا سَمِعْتُمْ آياتِ اللَّهِ يكْفَرُ بِها وَ يسْتَهْزَأُ بِها فَلا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيرِهِ إِنَّكُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جامِعُ الْمُنافِقِينَ وَ الْكافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً**» (نساء/۱۴۰).

علامه طباطبایی می‌نویسد: جمله «**إِنَّكُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ**» تعلیلی است بر نهی از ارتباط دوستانه با کفّار؛ یعنی مســـلمانان اگر با غیر مؤمنان مجالســـت کنند از نظر خوی و خصـــلت همانند آنان خواهند شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۸۸) و همچنین است اگر انسان با مؤمنان مجالست کند از نظر خوی «**جالِسِ العُلَماءَ تَزدَد عِلماً**» و خصلت همانند آنان خواهند شد.

اثرپذیری شخصیت اجتماعی، اخلاقی و معرفت از معاشرت با دیگران به حدی است که در روایات، آفت خیر و فضیلت «**لِكُلِّ شَيءٍ آفَةٌ وَ آفَةُ اَلْخَيرِ قَرِينُ اَلسُّوءِ**» (عبد الواحد آمدی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۵۹) و یکی از راه‌های شناخت دین و مذهب افراد، شناخت دوستان آنان دانسته شده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۱۹۲) و توصیه به همنشینی با علماء در کلام امام علی (ع) (عبد الواحد آمدی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۲۴) و منع از معاشـــرت با اهل جهل «**مَن صَـــحِبَ جاهِلاً نَقَصَ مِن عَقلِهِ**» (مجلســـی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۰) نشـــان از اهمیت نقش پذیری آگاهانه یا ناآگاهانه طبع انسان از این همنشینی ها ست. در روایات اسلامی از حضرت سلیمان (ع) چنین نقل شده: «درباره کسی قضاوت نکنید تا به دوستانش نظر بیافکنید چرا که انسان بوسیله دوستان و یاران و رفقایش شناخته می‌شود» (همان، ج ۷۱، ص ۱۸۷).

از رویدادهای مهمی که در بین همنشینان و هم عصری‌های مفسرین تفسیر نمونه و تفهیم القرآن رخ داد این بود که در پی مجاهدت‌های اندیشـــمندان مســـلمان و همچنین دلســـردی تحصلیکرده‌ها از مکاتب شرق و غرب و دین باوری عموم مردم، رویکرد به دین مبین اسلام و احیای تفکر دینی رشد یافت.

دانشـمندان مسـلمان تلاش کردند؛ تا چهره تابناک اسـلام را نشـان دهند و به شـیوه‌ای محققانه و با اسـتفاده از متون اصـیل اسـلامی، در بیداری ملت‌ها بکوشـند و دوباره پیوندی مسـتحکم بین نسـل معاصـر خویش، با مبانی عقیدتی اسـلام برقرار نمایند و به آنها بفهمانند که دین مقدس اسلام با داشتن قوانین و مقررات فراگیر، هم سعادت اخروی آنها را تأمین می‌نماید و هم برنامه‌ای زندگی ساز برای دنیای فردی و اجتماعی آنها دارد و بین مبانی اسلام و معیارهای جدید زندگی تعارضی نیست (ایازی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳).

لذا بسـیاری از شـخصـیت‌های مذهبی و علمی همنشـنین و هم دوره تفسـیر نمونه و تفهیم القرآن، به منبع لایزال وحی الهی و آخرین پیام آسمانی، روی آوردند و ضمن طرح مباحث آن در سـخنرانی‌ها و مقالات خویش، در تفسـیر قرآن روش علمی را اسـتفاده نمودند، از دیگر ویژگی‌های تفاسـیر این دوره، تغییر در سـبک بیان و روش تفسـیر و همچنین تنوع مطالب می باشد (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۱۹۵). شیوه نگارش آنها، مناسب با زبان و طبع مردم هم عصـر خویش اسـت و جنبه تحلیلی و توصـیفی دارد و گرایش هدایتی و تربیتی در آنها مشهود است، نثر آنها جذاب، شیوا و توأم با طرح مسائل اجتماعی، علمی و منطبق کردن آنها با آیات قرآنی می‌باشد. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۴)

از این رو برخی از مهم‌ترین تأثیرات همنشـینان و هم عصـری‌های تفسـیر نمونه و تفهیم القرآن را می‌توان در توجه به مقتضیات زمان، توجه به عنصر مکان، اصلاح گری و علم‌گرایی برشمرد.

منابع

قرآن مجید

۱) ابن سینا، حسین بن عبدالله، قانون، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، تهران، سروش، چاپ هیجدهم، ۱۳۹۵ ش.

۲) ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ، ۱۴۲۱ ق.

۳) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول،۱۴۱۹ ق.

۴) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۵) احمد، خورشید، تفهیم القرآن ایک انقلاب، لاهور، اداره منشورات،۱۹۹۲ م

۶) استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۳ ش.

۷) اسد آبادی، جمال الدین، مقالات جمالیه، صفات الله جمالی، تهران، اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۵۸ ش.

۸) آلوسی، محمود، روح المعنی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۹) آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، موسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ هشتم، ۱۳۹۵ ش.

۱۰) ایازی، سید محمد علی، تأثیر شخصیت مفسر در تفسیر قرآن، صحیفه مبین، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۸ ش.

۱۱) ایازی، سید محمد علی، شناخت نامه تفاسیر، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۷ ش.

۱۲) بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

۱۳) البیومی، محمد رجب، النهضة الإسلامیة فی سیر اعلامها، دمشق: دار القلم، ۱۹۹۵ م.

۱۴) پاکتچی، احمد، دائره المعارف بزرگ اسلامی، مدخل تفسیر، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۵) ثعالبی، عبدالرحمن، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، به‌کوشش ابومحمد الغماری، اول، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۶ق.
۱۶) ثقفی، سید محمد، آیت الله شهید صدر و مقتضیات زمان، کنگره بین‌المللی آیت الله شهید صدر، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۳۷۹ ش.
۱۷) حامدی، خلیل احمد، الامام ابوالاعلی المودودی حیاته دعوته جهاده، لاهور، پاکستان، طبع فی مطبعته المکتبه العلمیه، (بی‌تا).
۱۸) حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، تحقیق و تعلیق: عبیدو، عنایهٔ احمد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۹) خرمشاهی، بهاء الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، کیهان، ۱۳۶۴ ش.
۲۰) خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۷۷ ش.
۲۱) خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
۲۲) رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، گردآورنده ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۰ ق.
۲۳) رضایی اصفهانی، محمد علی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۸ ش.
۲۴) رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ هشتم، ۱۳۹۶ ش.
۲۵) رنجبریان، مهدی، تأملی در تطبیق آیات شورا بر نظام مشروطه و دموکراسی، آموزه، شماره ۲، ۱۳۸۲ ش.
۲۶) زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیدهْ و الشریعهْ و المنهج، دارالفکر المعاصر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.

۲۷) زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۱ ق.
۲۸) سلیمی، علی و دیگران، همنشینی و کج نشینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،۱۳۸۹ش.
۲۹) سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمنثور فی التفسیر المأثور، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول ۱۴۲۱ ق.
۳۰) شرابی، هشام، روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.
۳۱) شریعتی، علی، ما و اقبال، تهران، الهام، موسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی مزینانی، ۱۳۸۴ ش.
۳۲) شوکانی، محمد، فتح القدیر، کویت، دارالنفایس، ۲۰۰۱ م.
۳۳) طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۳۴) طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۵) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق گروهی از علماء و محققین، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۳۶) طوسی (شیخ)، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۷) طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۳۸) عبدالحی، سعید، ابو الاعلی المودودی فی سطور، مجله الأزهر (نور الاسلام)، جمهوریة مصر العربیة: قاهره، ۱۹۸۱ م.
۳۹) عراقی، حسین فعال، مقاله تفسیر نمونه، مجله گلستان قرآن، شماره ۹۰، ۱۳۸۱ ش.

۴۰) عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم: دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۴۱) علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۴۲) علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ ش.
۴۳) فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العرب، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
۴۴) فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۴۵) قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۴۶) قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، بنیاد، بعثت، تهران ۱۳۶۶ ش.
۴۷) قرطبی، محمد بن احمد، جامع الاحکام القرآن، تحقیق هاشم بخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۴۸) قطب، سید، فی ظلال القرآن، داراحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ق.
۴۹) کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، اسلامیه، ۱۳۴۶ ش.
۵۰) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق: فقیه، محمد جواد، تصحیح: بقاعی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ ق.
۵۱) لاهوری، محمد اقبال، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، رسا قلم، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۵۲) لاهوری، محمد اقبال، تجدید بنای اندیشه‌ی دینی در اسلام، ترجمه مسعود نوروزی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ ش.
۵۳) متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۸۹ ق.

۵۴) مجلســـی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعۀ لدرر أخبار الأئمۀ الأطهار (ع)، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۵۵) مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، قم، صدرا، چاپ هفدهم، ۱۳۸۰ ش.
۵۶) مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۸ ش.
۵۷) مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیۀ، اول، ۱۴۲۴ ق.
۵۸) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۶ ش.
۵۹) مؤدب، سید رضا، مبانی تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم، چاپ چهارم، ۱۳۹۶ ش.
۶۰) مودودی، ســید ابو الاعلی، اصــطلاحات چهارگانه در قرآن، ترجمه ســعدی بهبودی، تهران، کمیته مرکزی دفتر جمعیت اسلامی افغانستان، ۱۳۶۹ ش.
۶۱) مودودی، سید ابو الاعلی، تفهیم القرآن، لاهور، المنصوره، ۱۹۹۲ م.
۶۲) مودودی، سید ابو الاعلی، الرسائل و المسائل، لاهور، اردو کتب گهر، ۲۰۰۸ م.
۶۳) نیشابوری، محمود بن ابی الحسن، إیجاز البیان عن معانی القرآن، ریاض، مکتبه التوبه، ۱۴۱۸ ق.